

قانون مجازات عمومی

۱ - لزوم و غیر قابل پرهیز بودن عمل

۲ - رضایت شخص ذی نفع

بدیهی است موجود نبودن یکی از این دو شرط موجب وقوع جرم مخصوص میشود مثلاً اگر شرط اول موجود نباشد عمل جراح در صورت نداشتن قصد جزائی جرم خطائی و در صورت داشتن قصد جرم عمدی خواهد بود و اگر شرط دوم وجود نداشته باشد عمل ارتكابی نیز جرم عمدی است مگر آنکه رضایت مریض بعداً جاب و یا ثابت شود که عدم مداخله طبیب یا جراح موجب خطر جانی برای مریض بوده است

ب - شرکت و کمک بخود کشی - که ممکن است بدوشکل ظاهر شود : یا ترغیب و تحریک شخص یا انجام عمل مادی (بخواهنش او) که موجب وقوع مرتکب یا تسهیل آن گردد

در حالت اول یعنی ترغیب و تحریک بخود کشی یا تهیه وسایل و کمک کردن بکسی برای انجام قصداً تعجار - بسیاری از حقوقیون معتقدند که شرکت و معاونت بنحو فوق غیر قابل مجازات و بلکه اساساً جرم نیست چه شرکت در امری ممکن است جرم باشد که خود آن امر بموجب قانون جرم شناخته شود . حتی در خود کشی های جمعی هم (که باتشویق هم بعمل آمده) بنظر آنها جرم واقع نمی گردد زیرا آنکس که از بین این جمع زنده بماند چون عمل مادیش اقدام بکشتن خویش بوده (که موفق نشده) از این حیث جرمی مرتکب نگردیده

لکن برخی دیگر عقیده دارند که تحریک و تهییج بخود کشی گرچه از نظر قضائی مادام که نفس عمل جرم نباشد نمیتواند قابل مجازات باشد ولی از

رضایت طرف جرم ممکن است بدو گونه حاصل شود

۱ - قبل یا هنگام وقوع عمل و آن وقتی است که شخص پیش از آنکه صدمه باو برسد یا در هنگام وقوع آن از زین حاصله یا متصوره آگاه و بدان رضایت (۱) دهد که در اینحال عمل ارتكابی غالباً جرم نبوده و مسئولیتی از ارتكاب آن متوجه فاعل نمیگردد مثل آنکه مریض رضایت دهد پزشک یا جراح یکی از اعضاء بدن او را قطع کند یا جراحی بر او وارد سازد و یا آنکه کسی بدیگری اجازه داده باشد که از اموال او بنحوی که مایل است استفاده کند در اینصورت ربودن مال او موجب وقوع سرقت نخواهد بود -

موضوع رضایت طرف جرم در سه مورد بخصوص شایسته توجه است :

۱ - رضایت مریض در اعمال جراحی

ب - شرکت و کمک اشخاص بخود کشی کسی

ج - در جنگ تن به تن (duel)

۱ - رضایت در اعمال جراحی - اصولاً جرم نبودن عملیات جراحی از اجازة قانون باشدغال بعمل مزبور استفاده میشود چه وقتی قانونگذار تصدی باین دو شغل را مشروط بداشتن دانشنامه و اجازة علمی و در غیر آن جرم دانست لازمه اش آنستکه دارندگان چنین دانشنامه حق اعمال آنها داشته و اعمال ناشیه از اجرای شغلشان مجاز بوده جرم محسوب نشود لکن تنها شرط بالا برای مشروعیت عمل پزشک و جراح کافی نیست بلکه وجود شرایط دیگری هم بشرح زیر لازم است :

(۱) درباره از قوانین و کتور ها این رضایت بر حسب درجه اخوی اوندی و روابط خانوادگی ضمنی و تلویحی شناخته شده و مثلاً ربودن مال یین خویشان درجه اول اساساً جرم حساب نمیشود

قانون مجازات عمومی ایران گرچه در حالت فوق ساکت است لکن از سکوت قانون و رویه قضائی در حکم قتل عمدی بودن آن استنباط میشود.

ج - جنک تن بتر duel - از عادات مغرب زمین خاصه در اعصار گذشته و عبارت از دعوت دو نفر است از هم برای پاك کردن لکه دشنام یا توهینی است یکی از آنها بدیگری وارد آورده و بنظر بیشتر علماء و به دلایل زیرین ناپسند و جرم است.

۱ - بموجب اصل حقوقی و کلی: هیچکس حق قضاوت فردی و شخصی نسبت بدیگران ندارد و این حق از خصایص جامعه است.

۲ - تمام موجبات و شرایط قتل و یا ضرب و جرح عمدی (در صورت منتهی نشدن بمرک) در این مورد جمع است قانون مجازات ایران در این باب ساکت و شاید بیشتر سکوت قانون بعلمت عدم احتیاج بوده و در هر حال مانند مورد (ب) و بر فرض وقوع - موجبات و شرایط قتل عمدی را میتوان در باره آن صادق دانست.

چون حالت فوق مورد حاجت عملی کشور مانیت از بحث بیشتر در آن خود داری میشود.

۲ - رضایت طرف جرم بعد از وقوع عمل - در اینحال رضایت مزبور از نظر جنبه عمومی تأثیری در مسئولیت جزائی و وقوع جرم ندارد فقط گاه ممکن است (در جرائمی که با منافع عمومی اصطکاک مستقیم نداشته و رضایت طرف جرم قابل تعقیب نباشد) رضایت مزبور موجب معافیت از مجازات گردد مثل رضایت شدن شخص در باره از اعمال مفافی عفت.

(۲) بیست و دو مورد منتهی بتر ۸۴ مورد بمحکومیت رسید که از این آن فقط ۳۴ نفر بمجازات يك الى سه سال حبس محکوم شدند - همبطور در امریکا.

نظر اخلاقی و اجتماعی ناپسند بودن آن مورد اتفاق و بلکه موجب تشویق اشخاص مخصوصاً آنها که با داشتن قصد جنائی و برای فرار از عواقب آن بتحریر خود شخص بارتکاب عمل میکوشند. بنابر این بایستی تحریر و تشویق بخودکشی جرم مخصوص بوده و مجازات مستغنی داشته باشد.

اما حالت دوم یعنی اقدام یا کمک بمرک شخصی به خواهش یا رضایت خود او - بنظر بعضی باید معاف از مجازات باشد چه وقتی شخص مجاز بود که اختیار مطلق در زندگی خود داشته بازادی بقواند بدان خانمه دهد انجام آنرا هم میتواند از دیگری خواهش کند.

بر عکس برخی دیگر اقدام بقتل یا کمک بمرک کسی را ولو بخواهش یا رضایت او هم در حکم قتل عمدی تشخیص و گویند شرایط قتل بتمام معنی در چنین حالتی صادق است چه جرم نامبرده دارای دو عامل است یکی مادی و دیگری اخلاقی قصد ارتکاب و هر دو عامل مزبور در این حالت وجود دارد.

غالب قوانین مجازات با نظراخیر همراه و رضایت طرف جرم را در مورد فوق بی تأثیر و حتی آندسته از قوانین و علماء که خودکشی را هم جرم ندانسته حق و اختیار شخص در زندگی خود را غیر قابل انتقال بدیگری تشخیص و گویند اگر خودکشی جرم مخصوص نمیشود برای آنستکه از نظر سیاست قضائی و اجتماعی جرم بودن آن نتیجه مؤثری نداشته و اما در کشورهایی که عمل نامبرده در آنجا (۱) جرم است کافی برای اثبات بی تأثیری آن میباشد.

(۱) در انگلستان اقدام بخودکشی (در صورت عدم موفقیت) در حکم قتل عمدی است باین حال تعقیب مرتکبین بسیار نادر و مجازات هم تحت تأثیر عوامل اخلاقی و احساسات عمومی یا بکلی تملیق یا بسیار خفیف میشود چنانچه بموجب آخرین آمار ازین دو هزار خودکشی که در کشور مزبور واقع شد فقط ۱۰۶ مورد تحت تعقیب (۷۶ مرد و ۳۴ زن) و (۲)